

دامادی برای قتل مادر زن خود سناریوی قتل را طراحی کرد

18 آبان 1404

داماد طمع‌کار برای تصاحب ثروت مادرزنش او را به قتل رساند اما با صحنه‌سازی قصد داشت جنایت را به گردن سارقان بیندازد.

29 مهر امسال جسد زنی 55 ساله در اتاقک سونا خانه ویلایی‌اش در لواسانات کشف شد. فرزندان وی چند روز قبل ناپدید شدن مادرشان را به پلیس اعلام کرده و مدعی شده بودند وی به ویلای شخصی‌اش در لواسان رفته و دیگر از وی خبر نداشته‌اند.

در معاینات اولیه مشخص شد زن میانسال بر اثر خفگی جان‌ش را از دست داده است. باتوجه به اینکه در ورودی خانه سالم بود، احتمال وقوع جنایت از سوی فردی آشنا مطرح شد. از سویی در بازرسی از خانه مشخص شد که خودروی ال 90 مقتول، طلاهای او و سگش به سرقت رفته است. سرقت وسایل زن میانسال این فرضیه را مطرح می‌کرد که او به خاطر سرقت اموالش به قتل رسیده است.

همزمان کارآگاهان روی فرضیه‌های دیگر تحقیق کرده و احتمال قتل به خاطر کینه قدیمی و اختلاف نیز مطرح شد. در بررسی‌ها مشخص شد زن میانسال دو دختر دارد که یکی از آنها سه سال قبل ازدواج کرده و دختر دیگرش نیز قرار بود بزودی مراسم نامزدی‌اش را برگزار کند. همچنین مشخص شد مقتول با دختر و دامادش اختلاف داشته است، بنابراین نام این دختر و همسرش در لیست مظنونان پلیس قرار گرفت.

در ادامه تحقیقات، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته خانه ویلایی پرداختند و تصاویر نشان می‌داد که شب قبل از جنایت مردی درشت هیکل در حالی که موهای بلندی داشت و ماسک به صورت زده بود با کلید وارد خانه ویلایی شده و فردای آن روز از خانه خارج شده است. این موضوع حکایت از آن داشت که متهم بیش از 12 ساعت در خانه مقتول بوده و همین مسأله نشان می‌داد او به خانه آشنایی داشته است.

در تحقیقات از همسایه‌های خانه ویلایی، تکه پازل گمشده پیدا شد. یکی از همسایه‌ها در تحقیقات گفت: «چند روز قبل مردی را دیدم که هراسان و مضطرب در پارکینگ خانه مقتول را باز کرد و سوار خودروی او شد. وقتی نزدیک‌تر شدم در یک لحظه صورتش را دیدم و او را شناختم؛ او کاوه داماد خانواده بود.»

با این اطلاعات، کاوه بازداشت شد و در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. بدین ترتیب متهم به دستور بازپرس دادرسی لواسانات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

از مادر زنم کینه داشتم



چه شد که تصمیم به قتل گرفتی؟

از او کینه به دل داشتم. وقتی پدر همسرم فوت کرد، اموال بسیاری از خود به جا گذاشت. او در کار خرید و فروش ملک بود. من که بیکار بودم و وضع مالی خوبی نداشتم به همسرم گفتم سهم الارث را بگیر اما مادرش قبول نمی‌کرد و همین مسأله باعث شده بود که کینه او را به دل داشته باشم. از کی تصمیم به قتل گرفتی؟

از 3 ماه قبل. برای اینکه ردی از خود به جا نگذارم دو روز قبل از جنایت به شمال رفتم و به همه گفتم که مسافرتم. اما یک روز بعد برگشتم و لباس‌هایم را عوض کردم و چندین لباس را روی هم پوشیدم تا خودم را چاق و درشت هیكل نشان دهم و از طریق تصاویر دوربین‌ها شناسایی نشوم. حتی کلاه‌گیس هم گذاشتم و ماسک زدم که نتوانند مرا بشناسند. از شب جنایت بگو؟

شب به ویلا رفتم اما مادرزنم میهمان داشت و نشد نقشه را اجرا کنم، مجبور شدم به اتاقک سونا بروم و مخفی شوم وقتی میهمان‌ها رفتند وارد خانه شده و او را خفه کردم. بعد جسد را به سونا انتقال دادم و لباس‌هایم را در سطل زباله انداختم و به شمال برگشتم. ماشین مقتول را چکار کردی؟

سگش را که رها کردم و ماشین را هم سه کوچه بالاتر از خانه مقتول گذاشتم تا زودتر پیدایش کنند.